

توطئه ای در کار نیست: سرمایه گذاران خارجی به تضمین های بیشتری نیاز دارند

چهره هایی که نقشی کلیدی دارند تحت فشار قرار گرفته اند تا فواید برجام را در اختیار همگان قرار دهند. اما آنها سعی داشته اند تا با فرافکنی بگویند که دخالت های ایالات متحده آمریکا و ضدیت بانک های اروپایی با ایران دلایل اصلی به وجود آمدن این وضعیت می باشد. بر عکس شتاب انجام اصلاحات در سیستم بانکی و شرکت های ایرانی حرکت سرمایه گذاری خارجی به داخل کشور را تعیین خواهد نمود. خارجی ها به دلیل نقش حکومت و مخاطرات انجام دادن معاملات از خود رغبتی نشان نمی دهند ولی ایران قدرت آن را دارد که شرایط لازم برای رشدی پایدار و دراز مدت را فراهم آورد.

سه ماه بعد از روز اجرا برخی از منتقدین دولت روحانی هنوز می گویند که فواید برجام با سرعت کافی در اختیار همگان قرار نرفته. هیات های تجارتي از نقاط مختلف جهان به ایران دارند می آیند و قراردادهای همکاری نیز منعقد شده اند و طرفین با هم دست داده اند و برای اجرای پروژه های خود برنامه ریزی کرده اند. اما تا به حال هیچگونه سرمایه گذاری ملموس و مستقیمی صورت نگرفته. بانک های ایرانی هم از بار تحریم های مالی راحت شده اند اما به آهستگی با شبکه های مالی سابق خود ارتباط برقرار نموده اند. مدیر عامل بانک خاور میانه در ایران پیشبینی نمود که این کار هنوز چهار تا پنج ماه دیگر طول می کشد و بانک وی حداقل تا اواسط تابستان به وقت نیاز دارد تا بتواند با شرکای بین المللی خود رابطه برقرار کند.

افراد شکاک مسئولین آمریکایی را ملامت کرده اند و اظهار داشته اند که آنها بانک ها و شرکت ها را از معامله کردن با موسسات ایرانی بر حذر داشته اند. چهره هایی که نقشی کلیدی در وزارت دارایی و بانک مرکزی ایفا می کنند بخصوص از عملکرد محتاطانه بانک های اروپایی ابراز تاسف کرده اند. یکی از آنها از ضدیت با ایران سخن گفته. آنها ادعا نموده اند که ابراز نگرانی موسسات خارجی یا بی مورد است یا به دلیل بی اطلاعی آنها از لغو تحریم ها می باشد. اما اطلاعات منابع ما این نظریه را تأیید نمی کند.

توطئه ای در کار نیست. موسسات خارجی که به ایران علاقه دارند با حسابگری و بر اساس مخاطرات و فوایدی که در نظر گرفته اند تصمیم گیری می کنند. هنوز موانع زیادی بر سر راه انجام معاملات در ایران قرار دارد. قاعده اصلی این است که شرکت های خارجی مایل نیستند تا ریسک های ناشی از مسائل خارج از حوضه کاری خود را که تا حدی می توانند آن را کنترل کنند تقبل کنند. اما در ایران سرمایه گذاران خارجی باید ریسک های ناشی از مسائل ارزی و بهره بانکی و مهمتر از همه ریسک های سیاسی را نیز تقبل کنند. اما منافع افراد تندرو در جناح های سیاسی که سطوح بالای اقتصاد و نیروهای مسلح و قوه قضائیه را کنترل می کنند و امپراطوری عظیم ولی غیر شفاف سپاه پاسداران همگی محاسبات افرادی را به طور بالقوه مایل به سرمایه گذاری هستند در مورد ریسک ناشی از این کار تحت تاثیر قرار می دهند. کافی است که به معیار های بین المللی که قدرت تشخیص بسیاری از افراد را تحت تاثیر قرار می دهند نگاه کنیم. از نظر شاخص آزادی اقتصادی ایران در رتبه ۱۷۱ از میان ۱۸۶ کشور قرار دارد و رتبه آن پائینتر از میانگین آن برای خاورمیانه و آفریقای شمالی می باشد. از نظر شاخص قدرت رقابت در سطح جهان که مجمع جهانی اقتصاد آن را منتشر می کند ایران در رتبه ۸۳ از میان ۱۴۴ کشور قرار دارد. این شامل رتبه ۱۲۸ از نظر توسعه بازار مالی و رتبه ۱۴۲ از نظر توسعه نیروی کاری می باشد. خارجی ها به دلیل نقش بزرگ و غیر شفاف حکومت در اقتصاد و عدم اعتماد به قانونمداری و پنهانکاری در سیستم بانکی و زیر ساخت های فرسوده و وجود موسساتی که دائما در کار همه دخالت می کنند رغبتی به این کار نشان نمی دهند.

البته دولت روحانی اعتبار خود را حفظ و تأیید کرده که چنین کاستی هایی وجود دارد. به علاوه برای رفع این کاستی ها یک برنامه موثر و راهبردی وجود دارد. اما این برنامه به سرعت قابل اجرا نیست. وزیر دارایی علی طیب نیا به طور خیلی واضحی اظهار داشته که برنامه بلند پروازانه اش برای دست یافتن به رشد اقتصادی پنج در صدی در سال ۱۳۹۵ مستلزم اصلاح بسیاری از قوانینی می باشد که به تجار لطمه می زند و سرمایه گذاران خارجی را آزار می دهند. دولت همچنین برنامه هایی را تدوین نموده که درآمدهای مالیاتی را افزایش و فرار از مالیات را کاهش دهد و شکاف های موجود در سیستم را نیز ببندد. دولت همچنین سعی دارد تا با استفاده از سیاست مالی خود بخش خصوصی را تشویق کند. در حال حاضر وزارت دارایی ایران حاضر است بار مالیاتی شرکتهای سرمایه گذاری خارجی را پنجاه درصد کاهش دهد تا آنها را تشویق کند تا در ایران کارخانه بسازند و حداقل بیست درصد از تولیدات خود را صادر کنند. دولت امیدوار است که بتواند از این راه شرکت های خارجی را به طرف ایران جذب کند و یک مرکز صادراتی بسازد.

اما باید در مورد چالشی که صنایع ایرانی برای جذب سرمایه و دانش خارجی با آن مواجه هستند با شفافیت سخن گفت. بعد از کاهش یافتن تحریم ها دولت برنامه هایی را تدارک دیده بود تا سی میلیارد دلار سرمایه گذاری مستقیم خارجی جذب کند. اگر این برنامه در مدت دو سال به اجرا در آمده بود این مبلغ معادل حدود چهار درصد از تولید ناخالص ملی می شد. بر طبق آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۴ میزان سرمایه گذاری مستقیم خارجی پنج درصد تولید ناخالص ملی بود و در سه سال قبل از آن میانگین آن حدود شش درصد بود. بنا بر این سرمایه گذاری مستقیم باید هفت تا هشت برابر افزایش یابد.

بانک مرکزی ایران همچنین نقش مهمی در مقاعد نمودن سرمایه گذارانی دارد که هنوز محتاطانه با محیط تجاری ایران برخورد می کنند. موفقیت بانک مرکزی ایران در مهار تورم اقتصاد را در کوتاه مدت با ثبات نموده. اما برای دست یابی به رشد پایدار اقتصادی ایران نیاز دارد تا زمینه گذر از اقتصاد بانک محور و غیر شفاف و نا کارآمد فعلی به اقتصادی بازار محور را فراهم آورد. سال گذشته فقط حدود سه درصد از نیاز های مالی توسط بازار های سرمایه تامین شد و نود درصد آن از طریق بازار های پول و مابقی آن از بورس سهام تامین شد. هر چه که بازار سرمایه از طریق فراهم آوردن اهرم های گوناگون مالی بیشتر تعمیق یابد بخش خصوصی نیز بیشتر تشویق خواهد شد و قدرت موسسات حکومتی که بازار را تحت کنترل خود دارند کاهش خواهد یافت و از این طریق سرمایه به طرز بهتری در اختیار بخشی که میزان تولیدات آن بیشتر است قرار خواهد گرفت.



به اجرا درآمدن برجام و مهار تورم و امیدواری نسبت به افزایش ثبات سیستم مالی و تجاری باعث شده تا بانک مرکزی ایران به این نتیجه برسد که شرایط لازم برای یکسان نمودن نرخ های دو گانه تبادل ارز در ایران فراهم شده. بانک مرکزی ایران ادعا نموده که این در نیمه دوم سال جاری ایرانی میسر خواهد شد. اما چنین ادعاهایی بارها در گذشته مطرح شده. اما اگر مسئولین بالاخره بتوانند به این هدف دست یابند آنگاه موفق خواهند شد تا کمک زیادی به برقراری توازن اقتصادی بکنند چرا که قادر خواهند بود تا پارانه های نا کار آمد را حذف و یکی از کانال های مهم رواج فساد را ببندند.

